بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری 7 اردیبهشت 1395.

بحث سر وثاقت احمد بن محمد بن یحیی عطار بود که در طریق حدیث رفع وارد شده است. استاد ما آقای حائری یک روشی را برای توثیق احمد بن محمد بن یحیی عطار دنبال کرده اند این روش یک سری مقدماتی دارد. یکی اینکه ایشان می گویند که در جلد اول استبصار روایات بسیار زیادی دارد با این سند اخبرنا عن حسین بن عبید الله عن احمد بن محمد بن یحیی عن أبیه. حجم زیادی این دارد. و تنها به این سند اکتفا کرده است. و این روایت ها را ایشان می خواهد بگوید که از کتاب محمد بن یحیی عطار گرفته شده است. و به چه قرینه از کتاب احمد بن محمد بن یحیی عطار گرفته شده است چون وقتی این سند ها را نگاه می کنیم می بینیم اول سند تا محمد بن یحیی عطار مثل هم است و از محمد بن یحیی عطار به بعد سند تغییر می کند و این روش کشف مصدری است که روایت از او اخذ شده است. و خیلی مستبعد هست که این طریق را شیخ طوسی صحیح ندارند یا به تعبیر دیگر شیخ طوسی اگر شهادت حسیه به وثاقت حسین بن عبید الله غضائری و احمد بن محمد بن یحیی عطار نداشته باشد خیلی مستبعد هست که اقتصار کند بر این طریق با وجود اینکه ایشان به محمد بن یحیی عطار و روایاتش طریق های دیگری هم دارد من جمله طریق هایی که مثلا به کلینی منتهی می شود از طریق کلینی به محمد بن یحیی عطار می رسد. و این شکلی. البته یک سری چیزهای دیگری هم ضمیمه کرده است ایشان آن این است که حسین بن عبیدالله با تعبیر اخبرنا از او روایت شده است و این اخبرنا نشان گر این است که از کتاب حسین بن عبیدالله اخذ نشده است. علاوه بر اینکه حسین بن عبیدالله کتب روایی نداشته است در شرح حالش یک سری کتب تاریخی گفته اند ولی کتب روایی برای او ذکر نکرده اند. احمد بن محمد بن یحیی عطار هم کتاب نداشته است. و بنابراین این مجموعه به نظر اثبات می کند که از کتاب احمد بن محمد بن یحیی عطار گرفته شده است بعد ایشان بحث را ادامه داده و دنبال می کند که من ادامه بحث ایشان را نمی خواهم، خلاصه آن تکه اول بحثشان را می خواهم صحبت کنم.

این بحث های ایشان یک سری مقدماتی دارد بعضی هایش کاملا صحیح است و بعضی هایش بحث دارد. یکی اینکه یکی از مقدمات بحث اینها این است که این روایات ازکتاب اخذ شده است. این درست است این معمولا نقلیاتی که آن موقع بوده است معمولا از کتاب بوده است و نقل شفاهی و اینها نادر بوده است. این حجم از روایات این نشانگر نقل از کتب است که این مطلب کاملا درست است. مطلب دوم این روش که ما سند ها را نگاه کنیم ببینیم قسمتی از سند مشابه هستند یا قسمتی دیگر جدا شده اند این روش هم که اصل آن حاج اقا اشاره می فرمودند و در بعضی از مقالاتم من مفصل آورده ام و تطبیقات آن را هم ذکر کرده ام. احتمال دارد آقای حائری هم از من گرفته باشد چون گاهی اوقات صحبت می کردیم این قسمت چیز بعد از این بود که ما خدمتشان برای درس می رسیدیم. فکر می کنم این بحث ها را با ایشان گاهی اوقات صحبت می کردیم مطالبی که حاج آقا می فرمودند گاهی اوقات. به خصوص اینجا در مورد حسین بن عبیدالله من یک رساله ای داشتم آن رساله را از من گرفتند و یک نگاهی کردند و فرمودند که دوباره بیاور که من ببینم که من گفتم پاک نویس می کنم و می آورم و توفیق نشد دیگر. پاک نویسش را فعلا گم کرده ام. شاید نزدیک به بیست سال قبل است. بماند.

غرض اصل این روش روش کاملا درستی است این روشی که به این سبک می شود تشخیص داد مصدر کتاب را. ولی تطبیق آن درست نیست اینکه از این روش ایشان احمد بن محمد بن یحیی عطار را نتیجه گرفته اند که از کتاب ایشان گرفته شده است درست نیست. چون اگر ایشان دقت می فرمودند این بود که روایت هایش ولو بعد از محمد بن یحیی عطار فرق کرده است فی الجمله ولی تقریبا همه اش از طریق دو نفر است. محمد بن یحیی یا از طریق محمد بن احمد بن یحیی نقل می کند یا از محمد بن علی بن محبوب که هر دو هم مؤلفین جوامع حدیثی هستند و منبع آنها است نه منبع محمد بن یحیی عطار. اینکه منبع آنها است شواهد روشنی دارد آن این است که هم محمد بن احمد بن یحیی وهم محمد بن علی بن محبوب کسانی هستند که در آغاز سند های تهذیب فراوان واقع شده اند. محمد بن یحیی عطار در آغاز اسناد فقیه خیلی به ندرت واقع شده است آن هم مواردی است که قرائن نشان می دهد که از کافی گرفته شده است. اینکه از کتاب خود محمد بن یحیی عطار شیخ روایتی نقل کند خیلی ثابت نیست. آن که هست محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری و محمد بن علی بن محبوب این دو تا هستند که هر دو آنها از منابع اصلی تهذیبین هستند و فراوان یعنی حدود مثلا ده تا منبع ما بخواهیم برای تهذیب این ذکر کنیم یکی از آنها این کتاب های، در آن رده منابع اصلی تهذیب هستند. این مال یعنی محمد بن احمد بن یحیی و محمد بن علی بن محبوب است. و آن وقت باید بحث را رو محمد بن یحیی عطار پیاده نکنند ببرند روی محمد بن علی بن محبوب و به نظرم حالا محمد بن علی بن محبوب و محمد بن احمد بن یحیی هر دو باید طریق صحیح داشته باشد حالا من مراجعه نکردم ولی ظاهرا هر دو طریق صحیح است. چون یادم نمی آید کسی مثل آقای خوئی و اینها هیچ وقت مناقشه در این چیزها کرده باشند. نتیجه فرق نمی کند ولی بحث را باید به یک شکل دیگری مطرح کنند نه به این شکلی که آنجا مطرح شده است. خب این هم نکته سومی که در کلام ایشان هست. نکته چهارمی که در کلام ایشان هست این است که اخبرنا را ایشان می گوید که چون اخبرنا گفته است از کتاب ایشان اخذ نشده است. من این را نفهمیدم وجهش چیست. یک رسمی بوده است گاهی اوقات، می گویند اخبرنا را در اجازه هم می شود به کار برد. حدثنا را در اجازه به کار نمی بردند ولی اخبرنا را در اجازه به کار می بردند. ولی این کافی نیست برای اثبات اینکه از کتاب اینها اخذ نکرده اند. ممکن است به اجازه باشد ولی اجازه خود کتاب مؤلف باشد. فرض کنید حسین بن عبیدالله چون کتاب های خودش را اجازه داده است و شیخ طوسی از کتاب حسین بن عبیدالله اخذ کرده است بنابراین اخبرنا تعبیر می کند. اخبرنا را به جهت اجازه گفت است ولی اجازه بودن منافاتی با این ندارد که از کتاب او اخذ نشده باشد. این اخبرنا به این بیان می گوید این بیان ناتمامی هست. البته اصل مطلب درست است. حسین بن عبیدالله کتاب روایی ندارد آن مطالب درست است و قرائن دیگر هم نشان میدهد که حیسن بن عبیدالله و اینها خودشان صاحب کتابی نیستند که شیخ طوسی روایت را از کتاب آنها اخذ کرده است ولی نه به این بیانی که ایشان فرموده اند. خب این هم یک نکته. ولی عمده حالا اینها نکات جانبی بحث است. عمده بحث این است که آیا اصلا این استدلال درست است یا درست نیست؟ کل این، اینها حالا شاخ و برگ استدلال بود. اما ریشه این استدلال درست هست یا نیست؟ پاسخ مطلب این است که فرض کردید شما ما نمی دانیم احمد بن محمد بن یحیی عطار ثقه است. اگر نمی دانیم که احمد بن محمد بن یحیی عطار ثقه است از کجا می گویید این روایت، روایت محمد بن احمد بن یحیی یا محمد بن علی بن محبوب است؟ این اشکال عامی هست که به کل مجموعه بحث های آقای صدر در اینجا که در بحث تعویض اسناد را دنبال کرده اند یک اشکالی وارد است که این بحث ایشان هم از آن آبشخور سیراب می شود آن این است ببینید اینکه به جمیع روایات محمد بن احمد بن یحیی اشعری یا محمد بن علی بن محبوب شیخ طریق دارد این طریق دارد یعنی چه؟ مراد از این طریق چیست؟ این طریق روایت یعنی آن چیزهایی که محمد بن علی بن محبوب آنها را روایت کرده، این روایت که ما می گوییم یعنی آن چیزهایی که محمد بن احمد بن یحیی یا تحمل کرده است یا ادا کرده است. روایت یکی از این دو است. یعنی آن چیزهایی که تحمل کرده است این یک معنا برای روایت. معنای دیگر اینکه آن چیزهایی که روایت کرده است و ادا کرده است روایت یعنی ما به مرحله ادا هم رسیده است که لغتا روایت بیشتر به این معنای دوم یعنی ادا کردن ولی در اینجا ها به نظرم معنای اول مراد است. مراد از روایت آن چیزهایی هست که محمد بن احمد بن یحیی تحمل کرده است. حالا چه ادا کرده باشد یا نکرده باشد. مراد خصوص مواردی که ادا کرده نیست. نمی خواهم حالا اینها را بحث کنم ولی به هر حال حالا چه به معنای ما تحمله من الاحادیث باشد که نقل کرده باشد چه نقل نکرده باشد، چه به معنای آن چیزهایی که نقل کرده است. این باید ثابت شود. اگر احمد بن محمد بن یحیی خودش ضعیف است از کجا معلوم که این روایت جزو روایت های محمد بن احمد بن یحیی باشد. و از کجا معلوم که این جزو حالا روایت به هر معنایی. به معنای روایت هایی که تحمل کرده است یا ادا کرده است باید این ثابت شود. فرض هم این است که ما محمد بن احمد بن یحیی را ضعیف می دانیم یا برای ما وثاقتش اثبات نشده است. اینکه می گویید روایت محمد بن احمد بن یحیی است از کجا؟ اینجا یک توضیحی بدهم که اینکه روایت های محمد بن احمد بن یحیی را یک طریق عام شیخ طوسی داشته است این طریق عام یعنی چه؟ این طریق عام می تواند به نحو اجازه باشد. یکی از طرق ثمانیه تحمل حدیث اجازه هست. اجازه این هست که استاد می آمده است به شاگرد مستجاز می آمده است به مستجیز اجازه می داده است جمیع روایت های او را روایت کند. صغری اینکه این روایت، روایت استاد هست یا نیست را چه کسی باید احراز می کرده؟ شاگرد. استاد فقط به نحو قضیه حقیقیه می گفته است کل ما کان روایه لی فقد یجوز لک ان تروی عنی. هر چیزی که روایت من باشد حق داری از من نقل کنی. اما اینکه صغری از کجا احراز کند شاگرد باید احراز کند. گاهی اوقات به این مطلب که شاگرد باید احراز کند هم تصریح می شده است. می گفتند اجزت لک ان تروی عنی ما صحّ عندک من روایتی. قید ما صح عندک را که تصریح به این معنا است که احراز صغری روایت استاد بودن بر عهده شاگرد است، این را تصریح می کرده است. گاهی اوقات حالا این روایتی که، روایت های استاد هست گاهی اوقات کتاب های خودش است این یک جور. گاهی اوقات روایت هایی که از مشایخ داشته است را هم می آمده است چیز می کرده است. حالا آنهایی که از مشایخ یا سماع کرده بوده است یا قرائت کرده بوده است یا اجازه داشته است. در اجازات آن دوره ها هست می گوید اجزت لک ان تروی عنی جمیع مسموعاتی و مقروّاتی و مستجازاتی. این همه چیزهایی که بنابراین روایت های با واسطه را هم از طریق اجازه نسبت به اجازه، اجازه در اجازه، اجازه ای که اجازه دارم آن چیزهایی که به وسیله اجازه در اختیار من قرار گرفته است، به آن اجازه عام به نحو قضیه حقیقیه، آن را به شاگرد منتقل کنم. بنابراین، این اجازه که یکی از طرق خیلی شایع در آن دوره ها بوده است، مستصحیح می کرده است که برای اینکه شاگرد با کلمه اخبرنی یا حدثنی از او نقل کند. که به خصوص یک اجازه ای است از محمد بن احمد بن داود قمی متوفیی 368 که از اساتید شیخ مفید هست آنجا در اجازه اش تصریح می کند که مانعی ندارد که من اجازه می دهم همه روایت های من را نقل کنی ما لم یقع فی ما صحٌ و لا تدلیس لا حرج علیک ان تقول حدثنی أو اخبرنی. می گوید کلمه اخبرنی و حدثنی را هم اجازه داری که به کار ببری. خب این یک بحث قدیمی بوده است که آیا اگر تحمل حدیث به نحو اجازه باشد می شود کلمه حدثنی و یا اخبرنی را به کار برد یا خیر. بعضی ها می گفتند هر دو را می شود. بعضی ها تفصیل قائل بودند که اخبرنی را می شود حدثنی را می شود بعضی ها می گفتند که هر دو را می شود بعضی ها می گفتند هیچ کدام نمی شود. ولی از کلمات بعضی از اجازات کاملا اجازه می شود که لا اقل اخبرنی را که هر دو را می شود به کار برد. چون اجازه محمد بن احمد بن یحیی هر دورا می گوید که مجاز است طرف به کار ببرد و امثال اینها. شواهدی هست که هر دو را اجازه می دادند نمی خواهم وارد آن بحث بشوم. بنابراین اینجا، اینکه شما می گویید که مرحوم شیخ طوسی به جمیع روایات محمد بن علی بن محبوب و محمد بن احمد بن یحیی آن استدلال را با اصلاحی که کردم به جمیع روایات محمد بن علی بن محبوب و محمد بن احمد بن یحیی طریق دارد بنابراین انتخاب این طریق خاص دلیل بر وثاقت است اصلش مطلب درست نیست. باید اثبات شود که این روایت، روایت محمد بن علی بن محبوب و محمد بن احمد بن یحیی است تا این روش را بخواهید شما دنبال کنید. بنابراین این استدلال نا تمام است.

من حالا این استدلال را به یک شکل دیگری تکمیل کردم. حدس می زنم که اصلا خیلی از این بحث ها شبیه بحث هایی بود که با آقای حائری صحبت می کردیم احساس می کنم اینها بحث هایی بود که ما یک قدری صحبت می کردیم البته صحبت تفصیلی نشد من استدلالم به این شکل نبود یک مقدمه چینی های دیگر داشت که آن مقدمه چینی ها را ضمیمه می کردم و استدلال را یک مقداری چیزش را به یک شکل و شمایل دیگری، حالا عرض می کنم بعضی نکات این استدلال چیست. آن این است که به دو طریق دیگر می شود این استدلال را تغییر داد که این اشکالی که اینجا کردیم به آن وارد نشود. یک طریق این است که موارد مکرری که در استبصار حسین بن عبیدالله عن احمد بن محمد بن یحیی عن أبیه دارد، موارد مکررش هست که در تهذیب سند را با محمد بن احمد بن یحیی یا محمد بن علی بن محبوب شروع کرده است. دیگر اینجا آن اشکال ما وارد نمی شود که از کجا معلوم از کتاب محمد بن احمد بن یحیی نقل شده است از کجا معلوم روایت محمد بن علی بن محبوب باشد. نه به قرینه تهذیب که همین روایت را در تهذیب با محمد بن علی بن محبوب آغاز کرده است یا با محمد بن احمد بن یحیی آغاز کرده است آن خودش کاشف از این است که این روایت، روایت محمد بن احمد بن یحیی و محمد بن علی بن محبوب بوده است شیخ آن را روایت او می دانسته است با این حال این طریق را انتخاب کرده است. حالا من یک سری نمونه هایی از اینها را من فقط مواردش را در حاشیه کتاب استبصار ما همه اش را من نوشته ام و هست یک کار مفصلی دادم دوستان در مرکز کامپیوتری در مقایسه بین تهذیب و استبصار و نحوه سند هایش و اینها انجام داده اند. یک کلاسور های خیلی زیادی این بحث هایشان هست. یک مقطع کوچکی از آنها را انتخاب کرده ام آدرس هایش فقط صد صفحه اول استبصار را آدرس هایش را می دهم. آن هم انتخاب کردم یک مقداری از آدرس ها را، آدرس هایی که یا محمد بن احمد بن یحیی است از کتاب او اخذ شده است یا محمد بن علی بن محبوب که یکی از این دو تا هست. استبصار جلد 1 صفحه 26 رقم 1. که در تهذیب جلد 1 صفحه 284 رقم 119 که محمد بن احمد بن یحیی است. بیست و نه یک، ؟؟؟تهذیب جلد 1 صفحه 413 رقم 22 از محمد بن علی بن محبوب است. سی و هشت هفت، استبصار سی و هشت هفت در تهذیب جلد 1 صفحه 237 رقم 18 محمد بن علی بن محبوب است. بعدی، حالا یک نکته کلی اینجا عرض کنم بعضی از این سند هارا آن این است که حسین بن عبیدالله که از احمد بن محمد عن أبیه نقل می کند، این احمد بن محمد اش همین احمد بن محمد بن یحیی عطار است. حسین بن عبیدالله عن احمد بن محمد عن أبیه. در سند های تهذیب دو تا احمد بن محمد عن أبیه در این رده وجود دارد. گاهی اوقات می گوید الشیخ رحمه الله عن احمد بن محمد عن أبیه. گاهی اوقات می گوید الحسین بن عبیدالله عن احمد بن محمد عن أبیه. حسین بن عبیدالله که احمد بن محمد نقل می کند مراد احمد بن محمد بن یحیی عطار است. شیخ مفید که احمد بن محمد نقل می کند احمد بن محمد بن حسن بو ولید است. پسر ابن ولید است. این احمد بن محمد ها با هم فرق دارند. بعضی جاهایی که آدرس دارم می دهم احمد بن محمد خالی است. همه اش حسین بن عبیدالله عن احمد بن محمد عن أبیه است ولی بعضی هایشان بن یحیی را به آنها تصریح کرده است و بعضی هایشان را بن یحیی را به آنها تصریح نکرده است. این هم این مورد. مورد بعدی، خب این پنجاه و یک رقم دو بود که در تهذیب جلد 1 صفحه 44 رقم 64 واقع شده است محمد بن علی بن محبوب است. صفحه 68 رقم 1 در تهذیب جلد 1 357 رقم 1 از احمد بن محمد بن یحیی است. صفحه 75 استبصار رقم 1 در تهذیب جلد 1 صفحه 359 رقم 9 از محمد بن علی بن محبوب است. بعدی صفحه 81 رقم 12 در تهذیب جلد 1 صفحه 185 رقم 8 از محمد بن علی بن محبوب است. بعدی صفحه 83 رقم 260، رقم 2 یا 260 که در تهذیب جلد 1 صفحه 13 رقم 27 از محمد بن علی بن محبوب است. صفحه 89 رقم 1 که در تهذیب جلد 1 صفحه 347 رقم 12 است. که اینها مواردی هست حسین بن عبیدالله عن احمد بن محمد یا احمد بن محمد بن یحیی عن أبیه عن محمد بن احمد بن یحیی یا محمد بن علی بن محبوب که در تهذیب با محمد بن احمد بن یحیی یا محمد بن علی بن محبوب آغاز شده است. مکرر هم هست بعد از این هم خیلی زیاد است که دیگر نیازی به ذکر آدرس هایش نیست. خب این یک استدلال. یک تقریب دیگر این است که بعضی روایات هست، در استبصار از طریق احمد بن محمد بن یحیی نقل شده است در تهذیب از یک طریق دیگری نقل شده است مثل طریق شیخ صدوق طریقی که قطعا هیچ در صحت آن مو لا درز آن نمی رود. مثلا شیخ مفید از شیخ صدوق از استادش ابن ولید از آن طریق روایت را نقل کرده است. که این آدرس هایش هم یکی جلد 1 صفحه 33 رقم 1 استبصار. در تهذیب جلد 1 صفحه 243 رقم 32. استبصار جلد 1 صفحه 121 رقم 3 و 4. تهذیب جلد 1 صفحه 135 رقم 65 و 67. استبصار جلد 1 صفحه 157 رقم 1 و 2. تهذیب جلد 1 صفحه 191 رقم 24 و 26. استبصار جلد 1 صفحه 193 رقم 1 و 2. تهذیب جلد 1 صفحه 272 رقم 89 و 90. که این هفت مورد را من یادداشت کرده ام. بگوییم که از این طریق بخواهیم وثاقت احمد بن محمد بن یحیی عطار را بخواهیم اثبات کنیم. ولی این روش هم هیچ یک از این دو روش صحیح نیست.

سوال:... تقریبش چه شد؟

پاسخ: طریقش این است که شیخ طوسی یک طریق صحیح دارد چرا به جای آن طریق صحیح اگر این طریق صحیح نیست این را انتخاب کرده است. همین روایت را، بحث بحث کلی نیست. دیگر کار نداریم که در یک طریق عامی به روایات محمد بن علی بن محبوب یا محمد بن احمد بن یحیی دارد که اشکال صغروی بشود نه، خود این روایت را از یک طریق صحیح ثابت الوثاقه نقل کرده است اگر این هم مثل همان نباشد ترجیح مرجوح بر راجح که معنا ندارد. چه جهت دارد که این را ترجیح داده باشد؟ این هم تقریب بعد. ولی به نظر می رسد که هیچ یک از این دو تقریب تمام نیست. احتمال می دهم که این تقریب ها را موقعی که آقای حائری صحبت می کردیم شبیه این تقریب ها را با هم صحبت کردیم ولی بد بیان کرده بودم یک مقداری به آن شکلی که در کتاب چیز وارد شده است به آن شکل ایشان در واقع چیز کرده اند و به آن مدل بحث را دنبال کرده اند ولی این تقریبات هم تمام نیست. اما تقریب اینکه ما می گوییم در استبصار سند کامل هست در تهذیب سند با محمد بن احمد بن یحیی و محمد بن علی بن محبوب آغاز شده است این در صورتی صحیح است که ما آن مبنایی که از کتب مشهوره اخذ که شود دیگر سند نیازی نیست آن نگوییم. حالا یک کسی مبنایش این باشد که در کتب مشهوره نیاز به سند ندارد و سندی که شیخ طوسی انتخاب کرده است یک سند تبرکی بوده است و سند تبرکی خیلی برایش مهم نبوده است که این سند را انتخاب کند یا یک سند دیگر. تبرکی است اصل آن خیلی دخالت در صحت و ثقم روایت نداشته است. اگر کسی این مبنا را بگوید دیگر نمی شود با او این مطلب را تمام کرد. البته یک سوال ممکن است بشود که چرا این سند را انتخاب کرده است حالا این را در موردش توضیح می دهم. آن تقریب دیگر را که می گویم.

اما در مورد این تقریب دوم که عرض کردیم. تقریب دوم جوابی دارد که جواب اول هم هست. شبهه ای که در مورد تقریب اول مطرح کردم آن هم هستم. آن این است که علت انتخاب یک طریق ممکن است به خاطر وثاقتش نباشد نکات دیگری داشته باشد من جمله بعضی هایش علو سند است. علو سند یعنی واسطه کمتر بودن. بعضی از این مثال هایی که زدم اگر مراجعه کنید طریق استبصاری که از طریق احمد بن محمد بن یحیی عطار است یک واسطه کمتر دارد تا طریق صدوق مثلا مورد اول که مثال زدم حالا بقیه موارد را مراجعه نکردم این را من چون اوایل استبصار را یک مقدار مراجعه کرده بودم که نکته ای که تغییر سند هست چیست؟ یک نکته ممکن است بحث علوّ سند باشد. نکته دیگر وجود دارد که این است در تهذیب چون تهذیب شرح مقنعه شیخ مفید است، شیخ طوسی اصرار دارد که طریق هایش از طریق شیخ مفید باشد. این است که غالب طریق های تهذیب از طریق شیخ مفید است. الشیخ رحمه الله، چون شرح کتاب شیخ مفید است طبیعتا متناسب این است که از طریق همان استاد که کتابش را دارد شرح می کند از طریق او باشد استبصار دیگر شرح مقنعه نیست. چون شرح مقنعه نیست پخش شده است. یعنی همم از شیخ طوسی هم دارد هم از حسین بن عبیدالله دارد هم از احمد بن عبدون دارد. تنوع اسانید استبصار خیلی بیش تر از تهذیب است علت اینکه استبصار این طریق را انتخاب کرده است می خواسته است که تنوع داشته باشد. همه طرق اساتیدش را ذکر کند. به خصوص اگر بحث تبرک و اینها باشد و امثال اینها حالا که تبرکی هست همه را از یک طریق ذکر نکند همه طرق را ذکر کند. بنابراین، این باز به این روش هم نمی شود مطلب را گفت. این یک ادامه ای دارد که من فردا عرض می کنم که در تمام این موارد یک راه حل جایگزینی این جا وجود دارد که این راه حل جایگزین را اینها ممکن است بعضی ها قبول نداشته باشند و امثال اینها اگر آن راه حل جایگزین را کسی نپذیرد این روش ها، روش هایی نیست که برای توثیق احمد بن محمد بن یحیی عطار بشود به آنها استناد کرد. همان بحثی بود که دیروز گفتم که اینها در مناقشه کردن در وثاقت امثال احمد بن محمد بن یحیی عطار یک مقداری از اجنبی بودن از واقعیت علم رجال و واقعیت اسناد و حدیث ما ناشی می شود. این را فردا تکمیل می کنم. من بیشتر بعضی روش ها را اینجا می خواهم دنبال کنم نه تطبیقات و اینها. چون یک سری نکات روشی وجود دارد در حد مرور. در حد همین مروری که الآن هم کردم یک مقدار بحث های بعدی را هم یک مروری می کنیم و از این بحث رد می شویم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد